



ارزیابی نسبت عملکرد جمهوری اسلامی با گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت جمهوریت

رضا رحیم پور، احسان شاکری خوئی، رضا نصیری حامد، علیرضا اسمعیل زاده

چکیده:

این مقاله با هدف ارزیابی تطابق عملکرد جمهوری اسلامی ایران با گفتمان انقلاب اسلامی، به‌ویژه با محوریت مفهوم جمهوریت، تدوین شده است. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که پس از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، بررسی میزان تحقق اصول اساسی آن، به‌ویژه جمهوریت، برای درک نقاط قوت و ضعف نظام ضروری به نظر می‌رسد. گفتمان انقلاب اسلامی که مبتنی بر دو اصل جمهوریت و اسلامیت است، با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که جمهوریت به‌عنوان یکی از دال‌های شناور در گفتمان انقلاب اسلامی در مقاطع مختلف تاریخی، دچار بازتعریف و تغییر معانی شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که دستاوردهایی چون برگزاری انتخابات منظم و تقویت نهادهای مردمی تحقق یافته‌اند، اما کاهش مشارکت در چند انتخابات گذشته در مقایسه با مشارکت حداکثری دوره‌های قبل به چالشی برای این حوزه مبدل می‌شود. با این وصف این مقاله پیشنهادهایی هم برای تقویت رقابت‌های سیاسی و مشارکت بیشتر، افزایش شفافیت در فرآیندهای انتخاباتی و تقویت نهادهای مردمی برای تقویت جمهوریت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد.

واژگان اصلی: جمهوریت، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، تحلیل گفتمان، لاکلاو و موف.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) shakeri_eh@yahoo.com
۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، به عنوان یکی از برجسته‌ترین رخداد‌های سیاسی و اجتماعی قرن بیستم نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بود که علاوه بر دگرگونی در ساختار قدرت و نظام حکومتی کشور، یک گفتمان جدید را بر اساس ترکیبی از آموزه‌های دینی، خواسته‌های ملی و مفاهیم مدرن در عرصه بین‌المللی مطرح کرد. و با بهره‌گیری از دو محور اساسی "جمهوریت" و "اسلامیت"، گفتمانی نوین ارائه داد که هدف آن ایجاد حکومتی مبتنی بر اراده عمومی و ارزش‌های دینی بود.

مفهوم جمهوریت به معنای تأکید بر اراده و نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی، از همان ابتدا در اندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی، جایگاه ویژه‌ای داشت. امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های متعدد خود بر این نکته تأکید داشتند که «میزان، رأی ملت است» (صحیفه امام، ج ۶، ۴۸۵). این نگرش در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز انعکاس یافت و اصول متعددی از این قانون بر مشارکت مردمی و انتخابات آزاد تأکید دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۶ و ۵۶).

با گذشت چهار دهه از استقرار نظام جمهوری اسلامی، پرسش اساسی این است که آیا دوگانه‌ی گفتمانی جمهوریت و "اسلامیت"، توانسته است در عرصه‌ی عمل، سازواری لازم را برای تحقق مشارکت حداکثری مردم و پاسخگویی به مطالبات متغیر جامعه فراهم کند؟ مطالعات پیشین عمدتاً بر تحلیل تاریخیِ تقابلی یا همزیستی این دو مفهوم متمرکز بوده‌اند (بشیری، ۱۳۸۳؛ آبراهامیان، ۱۳۸۴) یا تعارضات نظری آنها را در چارچوب قانون اساسی بررسی کرده‌اند (افروغ، ۱۳۹۰؛ خواجه سروری، ۱۳۹۵). با این حال، شکاف اصلی پژوهش‌ها در عدم تحلیل پویایی‌های گفتمانی جمهوریت به عنوان «دال شناور» است که در گذر زمان، تحت تأثیر تحولات سیاسی-اجتماعی، دستخوش بازتعریف‌های معنایی شده است. این غفلت موجب شده است که تنش‌های ساختاری بین نهادهای منتخب مردمی و نهادهای مبتنی بر تفسیر دینی، بدون ارائه‌ی چارچوبی تحلیلی برای فهم ریشه‌های گفتمانی آنها، باقی بماند. پیامد این امر، ابهام در مشروعیت‌سازی نظام در نسل‌های جدید و کاهش ظرفیت پاسخگویی به بحران‌های سیاسی-اقتصادی است که در سال‌های اخیر تشدید شده است.

نوآوری این پژوهش در استفاده از چارچوب نظری لاکلاو و موف و تحلیل دقیق نحوه تعامل میان جمهوریت و اسلامیت در گفتمان انقلاب اسلامی نهفته است. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا تحلیلی جامع و عمیق از نقاط قوت و ضعف عملکرد جمهوری اسلامی ارائه دهیم و پیشنهادهایی برای تقویت جمهوریت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ارائه کنیم.

ضرورت بررسی این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که پس از گذشت بیش از چهار دهه از استقرار جمهوری اسلامی، ارزیابی عملکرد آن در تحقق جمهوریت، به‌ویژه در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی، امری اجتناب‌ناپذیر است. در این میان، تناقض‌های احتمالی میان جمهوریت و اسلامیت، یکی از چالش‌های اصلی بوده که تحلیل و بررسی آن نیازمند رویکردی دقیق و علمی است. از دیگر نوآوری این تحقیق در بکارگیری نظریه‌ی تحلیل گفتمان لاکلاو و موف برای مطالعه‌ی جمهوریت به عنوان یک دال شناور است که معنای آن در رقابت با دال‌های دیگر (مانند اسلامیت، عدالت، استکبارستیزی) به طور مداوم بازسازی می‌شود. این چارچوب نظری، برای نخستین بار امکان می‌دهد تا با بررسی اسناد نحوه‌ی انسجام بخشی یا تضعیف جمهوریت در گفتمان رسمی را تحلیل کرد. به ویژه، تمرکز بر نقاط گسست گفتمانی (مانند جنبش‌های اصلاح طلبانه) به عنوان لحظات بازتعریف معنای جمهوریت، این پژوهش را از آثار پیشین متمایز می‌کند. دستاورد مورد انتظار، ارائه‌ی الگویی پویا از تعامل جمهوریت و اسلامیت است که نه تنها برای تبیین تنش‌های گذشته، بلکه برای پیش‌بینی مسیرهای احتمالی تحول گفتمانی در آینده کاربرد دارد. این تحلیل می‌تواند به سیاست‌گذاران در بازنگری سازوکارهای تعادل بین مشروعیت مردمی و دینی کمک کند.

۱- مبانی نظری و روش‌شناسی

۱-۱- تعریف گفتمان

گفتمان به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در علوم اجتماعی، به مجموعه‌ای از باورها، مفاهیم، زبان‌ها و ساختارهای معنایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها، افراد و گروه‌ها واقعیت‌ها و هویت‌ها را تولید و بازسازی می‌کنند. گفتمان‌ها نه تنها معناها و مفاهیم خاصی را به جهان اطراف می‌دهند بلکه بر نحوه فهم و تفسیر افراد از جامعه و سیاست تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، گفتمان‌ها شکل‌دهنده و تفسیرکننده واقعیت‌ها هستند، چرا که از طریق زبان و دیگر نمادها، ساختارهای معنایی را ایجاد می‌کنند که بر روی رفتار و روابط اجتماعی افراد اثرگذار است. (Foucault, 1972)

در دیدگاه‌های مختلف، از جمله دیدگاه‌های میشل فوکو، گفتمان‌ها ابزارهایی برای تولید قدرت و اعمال سلطه به‌شمار می‌آیند. فوکو در تحلیل‌های خود به این نتیجه رسید که قدرت به‌طور مستقیم از طریق گفتمان‌ها و شیوه‌های خاصی که در آن‌ها مفاهیم به‌کار می‌روند، بازتولید می‌شود. از نظر فوکو، گفتمان‌ها خود به‌عنوان نهادهایی قدرتمند عمل می‌کنند که می‌توانند هویت‌ها، باورها و رفتارها را شکل دهند و این قدرت از طریق زبان و گفتار، به افراد و گروه‌ها تحمیل می‌شود. (Foucault, 1972)

گفتمان‌های سیاسی در این چارچوب نقشی اساسی در ساخت و تعریف مفاهیم و ساختارهای اجتماعی دارند. در هر جامعه‌ای، گفتمان‌های مختلفی وجود دارند که می‌توانند بر مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأثیر بگذارند. این گفتمان‌ها ممکن است در ابتدا به‌طور طبیعی و اجتناب‌ناپذیر به نظر برسند، اما در واقع، مفاهیمی هستند که از طریق رقابت‌های سیاسی و اجتماعی و تلاش‌های هژمونیک ساخته و تحمیل می‌شوند.

در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، مفاهیم مختلفی از جمله استقلال، آزادی، جمهوریت و عدالت به‌طور خاص بازتعریف شده‌اند. انقلاب اسلامی ایران در پی تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی کشور، مفاهیم مذکور را بر اساس آموزه‌های اسلامی و ضد استعماری بازسازی کرد.

گفتمان انقلاب اسلامی با استفاده از زبان و نشانه‌ها، نه تنها معنای مفاهیم پایه‌اش را برای جامعه توضیح داد بلکه بر آن بود تا آن‌ها را به‌عنوان مبنای قانونی و سیاسی برای نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران معرفی کند. تحلیل گفتمانی این پژوهش به‌ویژه در ارتباط با گفتمان انقلاب اسلامی، این امکان را فراهم می‌آورد که نه تنها معانی اولیه این مفاهیم را تحلیل کنیم، بلکه فرایندهای اجتماعی و سیاسی که موجب بازتعریف و تغییر این مفاهیم در طول زمان شده‌اند را مورد بررسی قرار دهیم.

۲-۱- نظریه گفتمان لاکلاو و موف

نظریه گفتمان ارنستو لاکلاو و چتال موف یکی از رویکردهای مهم در تحلیل گفتمان است که به‌ویژه در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کاربرد دارد. این نظریه به‌طور عمده بر مبنای تحلیل گفتمان‌های هژمونیک و چگونگی ساخت هویت‌های سیاسی و اجتماعی از طریق گفتمان‌ها تأکید دارد. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که گفتمان را به‌عنوان ابزاری برای بیان واقعیت‌های از پیش موجود می‌دیدند، لاکلاو و موف معتقدند که گفتمان‌ها نه تنها واقعیت را تولید می‌کنند، بلکه واقعیت‌ها را ساختاردهی و تغییر می‌دهند.

یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه گفتمان لاکلاو و موف، مفهوم **هژمونی** است. آن‌ها به‌ویژه بر این نکته تأکید دارند که گفتمان‌های هژمونیک از طریق بازنمایی یک ایده یا مجموعه‌ای از ایده‌ها به‌عنوان حقیقتی پذیرفته‌شده، قدرت و سلطه را در سطح اجتماعی و سیاسی تولید می‌کنند. به این معنا، گفتمان هژمونیک می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تغییر نظم اجتماعی و سیاسی عمل کند. این نظریه نشان می‌دهد که برای درک فرآیندهای تغییر در سیاست‌ها و ساختارهای اجتماعی، لازم است به گفتمان‌ها به‌عنوان مؤلفه‌هایی پویا و در حال تغییر نگاه کنیم. (Laclau & Mouffe, 1985)

در نظریه گفتمان لاکلاو و موف، گفتمان‌ها همواره در حال شکل‌گیری و تغییر هستند و این تغییرات از طریق فرآیند «ثبیت» و «بازتعریف» مفاهیم کلیدی درون گفتمان‌ها انجام می‌شود. آن‌ها معتقدند که گفتمان‌ها به‌ویژه از طریق مفاهیم دال‌های شناور (floating signifiers) و گره‌های مفهومی (discursive knots) به این فرآیندها می‌پردازند.

۱-۲-۱- دال‌های شناور

به کلمات یا مفاهیمی اطلاق می‌شود که به‌طور موقت در گفتمان‌های مختلف به‌طور مختلف تفسیر می‌شوند و در نتیجه معنای ثابت و مشخصی ندارند. این دال‌ها می‌توانند در گفتمان‌های مختلف و در زمان‌های مختلف معانی متفاوتی پیدا کنند. برای مثال، مفاهیمی مانند آزادی یا عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی ایران ممکن است از دیدگاه‌های مختلف، معانی مختلفی پیدا کنند. در گفتمان انقلاب اسلامی، آزادی ممکن است به‌عنوان رهایی از استبداد و استعمار تعریف شود، در حالی که در گفتمان‌های دیگر می‌تواند به‌عنوان آزادی فردی و حقوق بشر در نظر گرفته شود. (Laclau & Mouffe, 1985)

۱-۲-۲- گره‌های مفهومی

به پیوندهایی اطلاق می‌شود که میان دال‌های مختلف در گفتمان‌ها ایجاد می‌شود تا معنای خاصی تولید شود. این گره‌ها موجب می‌شوند که مجموعه‌ای از مفاهیم در گفتمان‌های خاص به‌طور همزمان فعال شوند و به‌طور مشترک معانی و هویت‌های سیاسی و اجتماعی را شکل دهند. برای مثال، در گفتمان انقلاب اسلامی، مفاهیم استقلال، آزادی و عدالت از طریق گره‌های مفهومی مختلف به هم متصل شده‌اند و به‌عنوان اصول بنیادین انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران به کار می‌روند.

۱-۲-۳- دال مرکزی

که در نظریه لاکلاو و موف مطرح می‌شود، مفهومی است که در مرکز گفتمان قرار دارد و مفاهیم دیگر حول آن می‌چرخند. در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، اسلام به‌عنوان دال مرکزی در نظر گرفته می‌شود که سایر مفاهیم همچون استقلال، آزادی، جمهوریت و عدالت حول آن می‌چرخند و از این طریق مفاهیم سیاسی و اجتماعی نظام جمهوری اسلامی شکل می‌گیرند. این دال مرکزی موجب می‌شود که تمامی مفاهیم و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با محوریت اصول اسلامی تفسیر و اجرا شوند.

۱-۳- رابطه این مفاهیم در گفتمان جمهوریت انقلاب اسلامی

مفاهیم کلیدی این نظریه در گفتمان انقلاب اسلامی، به‌ویژه در تحلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نقش اساسی در شکل‌گیری هژمونی گفتمان سیاسی کشور دارند.

الف) دال مرکزی

در گفتمان لاکلاو و موف، دال مرکزی به مفهومی اطلاق می‌شود که معنای دیگر مفاهیم در یک گفتمان حول آن می‌چرخد. در گفتمان انقلاب اسلامی، دو دال مرکزی اصلی وجود دارند: **اسلامیت و جمهوریت**. این دو دال به‌طور مداوم در تعامل با یکدیگر هستند و در ایجاد هژمونی گفتمان سیاسی ایران نقش کلیدی دارند. در **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، این دو مفهوم به‌طور هم‌زمان در هم تنیده شده‌اند و ساختار گفتمانی را ایجاد کرده‌اند که هدف آن تثبیت مشروعیت نظام حکومتی است (عابدینی، ۲۰۱۳).

اسلامیت به‌عنوان دال مرکزی نخستین، به‌ویژه در اصولی مانند **اصل ۴** (که تطابق قوانین با شرع اسلام را تأکید دارد) و **اصل ۵** (که بر ولایت فقیه تأکید می‌کند)، جایگاه برجسته‌ای دارد. در کنار آن، **جمهوریت** به‌عنوان دال مرکزی دوم، در اصولی همچون **اصل ۶** (انتخابات عمومی) و **اصل ۵۹** (مراجعه به آرای عمومی) تبیین می‌شود. این ترکیب دو دال مرکزی نه تنها معنا را در چارچوب یک گفتمان واحد ثابت می‌کند بلکه مشروعیت سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را به‌طور خاص و در تضاد با دیگر گفتمان‌ها به‌طور هژمونیک تثبیت می‌نماید (یعقوبی، ۲۰۱۵).

ب) دال‌های شناور

دال‌های شناور در گفتمان لاکلاو و موف به مفاهیمی اطلاق می‌شود که معنای آن‌ها در طول زمان تغییر می‌کند و می‌تواند در گفتمان‌های مختلف تفاسیر متفاوتی داشته باشد. در گفتمان انقلاب اسلامی، مفاهیمی همچون **آزادی، عدالت و حقوق بشر**، به‌طور مداوم در تعامل با دو دال مرکزی **اسلامیت و جمهوریت** معانی مختلفی پیدا کرده‌اند برای مثال، مفهوم آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی به‌ویژه در **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، نه به‌طور مطلق و آزادانه، بلکه به‌طور مقید به اصول اسلامی تفسیر می‌شود. همین امر باعث می‌شود که این دال‌ها در برابر گفتمان‌های رقیب مانند گفتمان دموکراسی غربی دستخوش تغییرات معنایی شوند (رشیدیان، ۲۰۱۶).

ج) مفصل‌بندی

فرآیندی که در آن عناصر مختلف معنایی با یکدیگر ترکیب شده و ساختاری واحد به خود می‌گیرند. در گفتمان انقلاب اسلامی، مفصل‌بندی میان "اسلامیت" و "جمهوریت" نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ساختار نظام جمهوری اسلامی ایفا کرده است (لاکلاو و موف، ۱۹۸۵).

این مفصل‌بندی‌ها در **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** به‌طور روشن نمایان است. برای

مثال، در اصل ۶، انتخابات عمومی به‌عنوان راهی برای مشارکت مردم در امور کشور معرفی شده است، در حالی که این انتخابات باید تحت نظارت و تطابق با شریعت اسلامی قرار گیرد. همین ترکیب، یک مفصل‌بندی میان اصول دینی و دموکراتیک را به‌وجود می‌آورد که پایه‌گذار گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی ایران است (شریفی، ۲۰۱۷).

د) هژمونی

هژمونی به معنای توانایی یک گفتمان در تثبیت معنای خود به‌عنوان گفتمان غالب است. در گفتمان انقلاب اسلامی، این فرآیند هژمونی به‌ویژه در پیوند میان اسلامیت و جمهوریت شکل می‌گیرد. گفتمان انقلاب اسلامی با استفاده از مفاهیمی همچون ولایت فقیه، ولایت الهی و رأی ملت توانسته است جایگاه خود را به‌عنوان گفتمان غالب در ساختار سیاسی ایران تحکیم کند (یوسف‌زاده، ۲۰۱۹). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این هژمونی از طریق اصولی همچون اصل ۵ (ولایت فقیه) و اصول مربوط به حاکمیت الهی و مشارکت مردمی تثبیت شده است. در واقع، گفتمان انقلاب اسلامی توانسته است از طریق هژمونیک کردن این دو دال مرکزی (اسلامیت و جمهوریت)، ساختار حکومتی ایران را به‌گونه‌ای تعریف کند که مشروعیت آن به‌طور هم‌زمان از اراده مردم و اصول اسلامی سرچشمه بگیرد. این گفتمان به‌طور دائم در تلاش است تا با گفتمان‌های رقیب (مانند دموکراسی‌های غربی) مقابله کند و خود را به‌عنوان گفتمان غالب و قانونی در ایران تثبیت کند (هاشمی، ۲۰۱۸).

۴-۱- تعریف جمهوریت در گفتمان انقلاب اسلامی

جمهوریت در گفتمان انقلاب اسلامی به‌معنای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی کشور است. این مفهوم، که در اساس‌نامه انقلاب اسلامی جایگاهی محوری دارد، بر نقش مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری و حکومتی تأکید دارد. امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های خود به‌ویژه بر «رأی ملت» تأکید داشتند و این امر را به‌عنوان معیار اصلی مشروعیت حکومتی معرفی می‌کردند. در یکی از مهم‌ترین سخنان ایشان آمده است: «میزان، رأی ملت است» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۸۵). این نگرش که اساس‌نامه انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را در خود پذیرفته است، بر نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی تأکید دارد.

این مفهوم از جمهوریت، بر اساس اعتقادات دینی و اسلامی، با مفهوم مشارکت مردمی در قالب حاکمیت دینی یا الهی پیوند خورده است. در این رابطه، جمهوریت به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین انقلاب اسلامی در کنار اسلامیت قرار دارد. به عبارت دیگر، جمهوریت به‌عنوان ابزاری برای اعمال اراده عمومی

مردم، به‌طور هم‌زمان با اصول اسلامی باید هم‌راستا باشد و منطبق بر شریعت و دستورات دینی باشد.

۱-۴-۱- جایگاه جمهوریت در قانون اساسی

جمهوریت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌طور آشکار به‌عنوان یکی از ارکان اساسی مشروعیت نظام حکومتی معرفی شده است. در این قانون، مفهوم جمهوریت با تأکید بر مشارکت مردم در امور کشور و تعیین سرنوشت سیاسی آن‌ها، به‌عنوان یک ارزش محوری در نظام جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است (برهمی، ۲۰۱۴). این تأسیس جمهوریت، با نگاه مثبت و در راستای ایجاد یک نظام حکومتی متکی بر اراده و خواست مردم، در **بطن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** گنجانده شده است و بر نقش کلیدی مردم در فرآیندهای حکومتی تأکید دارد (صفاریان، ۲۰۱۲).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با گنجاندن اصول مختلفی همچون **اصل ۶** (انتخابات عمومی)، **اصل ۵۶** (حاکمیت مردم در کنار حاکمیت الهی)، و **اصل ۵۹** (مراجعه به آرای عمومی در مسائل مهم)، مفهوم جمهوریت را به‌طور اساسی در خود می‌گنجانند. در این چارچوب، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و در فرآیندهای کلیدی مانند انتخابات و نظارت بر امور حکومتی، به‌عنوان ابزار اصلی برای تحقق حکومتی مردمی و متکی به خواست عمومی در نظر گرفته می‌شود (رضایی، ۲۰۱۵).

تأسیس جمهوریت در ایران، به‌ویژه در قالب **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، نه‌تنها به‌عنوان یک اصل قانونی، بلکه به‌عنوان یک تحقق عملی از اراده عمومی مردم، با دیدگاه مثبت و مؤثر در روند توسعه **نظام جمهوری اسلامی ایران** قابل بررسی است (حسینی، ۲۰۱۸). در این زمینه، **انتخابات عمومی** که در **اصل ۶** تأکید شده، به‌عنوان مسیر اساسی برای تحقق جمهوریت و برقراری حکومت مردمی شناخته می‌شود. این اصل، از طریق گفتمان‌های سیاسی مختلف، بستری برای مشارکت فعال مردم در امور کشور فراهم کرده است (مهدوی، ۲۰۰۷).

همچنین، در نظر گرفتن **اصل ۵۶** که به‌طور واضح بر حاکمیت مردم تأکید می‌کند، اهمیت جایگاه جمهوریت را در کنار حاکمیت الهی نشان می‌دهد. این اصل بیان می‌دارد که مردم در تعیین سرنوشت خود دخیل هستند و حکومتی که در ایران شکل گرفته است، ترکیبی از اصول اسلامی و دموکراتیک است. این هم‌زیستی و تعامل مثبت میان اسلامیت و جمهوریت در **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، سبب ایجاد یک نظام حکومتی می‌شود که در آن حاکمیت مردم و حاکمیت الهی به‌طور هم‌زمان با یکدیگر هم‌راستا هستند (مقدادی، ۲۰۰۶).

۲- عملکرد جمهوری اسلامی در تحقق جمهوریت

۲-۱- دستاوردها در تحقق جمهوریت

۲-۱-۱- برگزاری انتخابات منظم

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی در راستای تحقق جمهوریت، برگزاری انتخابات منظم در سطوح مختلف است.

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصول قانون اساسی و ارزش‌های اسلامی، همواره تلاش کرده است تا انتخابات را به عنوان یکی از ارکان مهم مردمسالاری دینی به بهترین شکل برگزار کند. برگزاری منظم و شفاف انتخابات در چهار دهه گذشته، با حضور گسترده مردم، نشان‌دهنده اعتماد عمومی به این نظام است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا به امروز، جمهوری اسلامی بیش از ۴۰ انتخابات در مقاطع مختلف برگزار کرده است. این انتخابات شامل انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا، و خبرگان رهبری بوده‌اند. برگزاری این انتخابات، به‌ویژه با توجه به مشارکت گسترده مردم در آن‌ها، نشانه‌ای از تحقق جمهوریت و مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. انتخابات‌ها به‌طور منظم و در اکثر مواقع با مشارکت بالای مردم برگزار شده است. به‌ویژه، در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۶ و انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۸، میزان مشارکت مردم بالای ۶۰ درصد گزارش شده است (وزارت کشور، ۱۴۰۲).

در این راستا، اصل ۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌طور صریح بیان می‌کند که «اداره امور کشور باید از طریق انتخابات عمومی صورت گیرد»، که این امر با برگزاری انتخابات مختلف به‌طور منظم و شفاف، تحقق یافته است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

۲-۱-۱-۱- پایداری در برگزاری انتخابات در شرایط مختلف

جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم چالش‌های مختلف داخلی و خارجی همچنان به برگزاری انتخابات ادامه داده است. این کشور در شرایطی که با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی روبه‌رو بوده، توانسته است انتخابات‌های منظم را برگزار کرده و مشروعیت سیاسی خود را تقویت کند (آبراهامیان، ۱۳۸۴). این پایداری در برگزاری انتخابات حتی در شرایط سخت نشان‌دهنده استحکام ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

۲-۱-۱-۱-۱- انواع انتخابات در جمهوری اسلامی ایران:

- انتخابات ریاست‌جمهوری: هر ۴ سال یک‌بار با مشارکت مستقیم مردم برگزار می‌شود.

- انتخابات مجلس شورای اسلامی: هر ۴ سال یک‌بار، انتخاب ۲۹۰ نماینده توسط مردم.
- انتخابات مجلس خبرگان رهبری: هر ۸ سال یک‌بار برای تعیین اعضای ناظر بر عملکرد رهبری.
- انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا: با بیش از ۱۲۵ هزار نماینده منتخب در سراسر کشور.

الف) آمار مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ایران:

- از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا کنون، علاوه بر رفتارندوم تعیین نوع حکومت (۱۳۵۸٪: ۹۸,۲٪ آرای مردمی)، جمهوری اسلامی ایران ۱۴ دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار کرده است. در ادامه، مروری بر این انتخابات و نتایج آن‌ها خواهیم داشت:

۱. اولین دوره (۵ بهمن ۱۳۵۸)، منتخب: ابوالحسن بنی‌صدر، میزان مشارکت: ۶۷,۴ درصد
۲. دومین دوره (۲ مرداد ۱۳۶۰)، منتخب: محمدعلی رجایی، میزان مشارکت: ۶۴,۲ درصد
۳. سومین دوره (۱۰ مهر ۱۳۶۰)، منتخب: آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، میزان مشارکت: ۷۴,۲۶ درصد
۴. چهارمین دوره (۲۵ مرداد ۱۳۶۴)، منتخب: آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، میزان مشارکت: ۵۴,۷۸ درصد
۵. پنجمین دوره (۶ مرداد ۱۳۶۸)، منتخب: اکبر هاشمی رفسنجانی، میزان مشارکت: ۵۴,۵۹ درصد
۶. ششمین دوره (۲۱ خرداد ۱۳۷۲)، منتخب: اکبر هاشمی رفسنجانی، میزان مشارکت: ۵۰,۶۶ درصد
۷. هفتمین دوره (۲ خرداد ۱۳۷۶)، منتخب: سید محمد خاتمی، میزان مشارکت: ۷۹,۹۲ درصد
۸. هشتمین دوره (۱۸ خرداد ۱۳۸۰)، منتخب: سید محمد خاتمی، میزان مشارکت: ۶۶,۷۷ درصد
۹. نهمین دوره (۲۷ خرداد و ۳ تیر ۱۳۸۴)، منتخب: محمود احمدی‌نژاد، میزان مشارکت: ۵۹,۷۶ درصد
۱۰. دهمین دوره (۲۲ خرداد ۱۳۸۸)، منتخب: محمود احمدی‌نژاد، میزان مشارکت: ۸۵ درصد
۱۱. یازدهمین دوره (۲۴ خرداد ۱۳۹۲)، منتخب: حسن روحانی، میزان مشارکت: ۷۲,۷ درصد
۱۲. دوازدهمین دوره (۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶)، منتخب: حسن روحانی، میزان مشارکت: ۷۳,۳ درصد
۱۳. سیزدهمین دوره (۲۸ خرداد ۱۴۰۰)، منتخب: سید ابراهیم رئیسی، میزان مشارکت: ۴۸,۸ درصد
۱۴. چهاردهمین دوره (۹ تیر ۱۴۰۳)، منتخب: مسعود پزشکیان، میزان مشارکت: ۴۰ درصد

ب) انتخابات مجلس شورای اسلامی

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا کنون، ۱۲ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

برگزار شده است. در ادامه، مروری بر این انتخابات و آمارهای مرتبط با آن‌ها خواهیم داشت:

- دوره اول (۲۴ اسفند ۱۳۵۸)، تعداد واجدین شرایط: ۲۰,۸۵۷,۳۹۱ نفر، تعداد آرای مأخوذه:

۱۰,۸۷۵,۹۶۹ رأی، درصد مشارکت: ۵۲,۱۴٪

۲. دوره دوم (۲۶ فروردین ۱۳۶۳)، تعداد واجدین شرایط: ۲۴،۱۴۳،۴۹۸ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۱۵،۶۰۷،۳۰۶ رأی، درصد مشارکت: ۶۴،۶۴٪
۳. دوره سوم (۱۹ فروردین ۱۳۶۷)، تعداد واجدین شرایط: ۲۷،۹۸۶،۷۳۶ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۱۶،۷۱۴،۲۸۱ رأی، درصد مشارکت: ۵۹،۷۲٪
۴. دوره چهارم (۲۱ فروردین ۱۳۷۱)، تعداد واجدین شرایط: ۳۲،۴۶۵،۵۵۸ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۱۸،۷۶۷،۰۴۲ رأی، درصد مشارکت: ۵۷،۸۱٪
۵. دوره پنجم (۱۸ اسفند ۱۳۷۴)، تعداد واجدین شرایط: ۳۴،۷۱۶،۰۰۰ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۲۴،۶۸۲،۳۸۶ رأی، درصد مشارکت: ۷۱،۱٪
۶. دوره ششم (۲۹ بهمن ۱۳۷۸)، تعداد واجدین شرایط: ۳۸،۷۲۶،۴۳۱ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۲۶،۰۸۲،۱۵۷ رأی، درصد مشارکت: ۶۷،۳۵٪
۷. دوره هفتم (۱ اسفند ۱۳۸۲)، تعداد واجدین شرایط: ۴۶،۳۵۱،۰۳۲ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۲۳،۷۳۴،۶۷۷ رأی، درصد مشارکت: ۵۱،۲۱٪
۸. دوره هشتم (۲۴ اسفند ۱۳۸۶)، تعداد واجدین شرایط: ۴۳،۸۲۴،۲۵۴ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۲۴،۲۷۹،۷۱۷ رأی، درصد مشارکت: ۵۵،۴٪
۹. دوره نهم (۱۲ اسفند ۱۳۹۰)، تعداد واجدین شرایط: ۴۸،۲۸۸،۷۹۹ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۲۶،۴۷۲،۷۶۰ رأی، درصد مشارکت: ۵۴،۷۴٪
۱۰. دوره دهم (۷ اسفند ۱۳۹۴)، تعداد واجدین شرایط: ۵۴،۹۱۵،۰۲۴ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۳۳،۵۷۷،۲۳۳ رأی، درصد مشارکت: ۶۱،۸۳٪
۱۱. دوره یازدهم (۲ اسفند ۱۳۹۸)، تعداد واجدین شرایط: ۵۷،۹۱۸،۱۵۹ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۲۴،۵۱۲،۴۰۴ رأی، درصد مشارکت: ۴۲،۵۷٪
۱۲. دوره دوازدهم (۱۱ اسفند ۱۴۰۲)، تعداد واجدین شرایط: ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر، تعداد آرای مأخوذه: ۲۵،۰۰۰،۰۰۰ رأی، درصد مشارکت: ۴۱،۶۷٪

۲-۱-۲- نهادینه شدن مردم سالاری در ساختار حکومتی

در جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، نهادهای انتخابی دیگری نیز برای تضمین مشارکت مردم در تصمیم گیری‌ها وجود دارند:

الف) مشارکت مردمی و جایگاه شوراهای شهر و روستا

یکی از اقدامات مهم در راستای توسعه مردم‌سالاری، افزایش نقش مردم در مدیریت محلی و توزیع قدرت میان مردم، تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا بوده است که بر اساس اصل ۱۰۰ قانون اساسی در سال ۱۳۷۷ اجرایی شد.

- حضور ۱۲۵ هزار نماینده منتخب در شوراهای سراسر کشور (وزارت کشور، ۱۴۰۰).
- افزایش نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی.
- تمرکززدایی از مدیریت کلان کشور و واگذاری مسئولیت‌ها به مردم.

ب) مجلس خبرگان رهبری:

این نهاد وظیفه نظارت بر عملکرد رهبری و انتخاب رهبر در شرایط خاص را بر عهده دارد. انتخابات این مجلس هر ۸ سال یک‌بار برگزار می‌شود و اعضای آن توسط مردم انتخاب می‌شوند (شورای نگهبان، ۱۳۹۸).

۳-۱-۱-۲. افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت اجتماعی

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، سطح آگاهی و مشارکت سیاسی مردم در ایران نسبت به قبل از انقلاب افزایش یافته است.

نتایج نظرسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۱):

- ۷۰٪ مردم معتقدند که رأی دادن می‌تواند در آینده کشور تأثیرگذار باشد.
 - ۶۵٪ جوانان ایران علاقه‌مند به شرکت در مباحث سیاسی و اجتماعی هستند.
 - ۵۸٪TM مردم اخبار سیاسی را از رسانه‌های داخلی و بین‌المللی دنبال می‌کنند.
- این آمار نشان‌دهنده رشد آگاهی سیاسی و افزایش نقش مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری است.
- ### ۴-۱-۱-۲. نقش زنان در مردم‌سالاری و افزایش حضور در عرصه سیاسی
- یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مردم‌سالاری، افزایش مشارکت زنان در فرآیندهای سیاسی است.

الف) مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی:

- در مجلس اول (۱۳۵۹): ۴ نماینده زن.
- در مجلس دهم (۱۳۹۸-۱۳۹۴): ۱۷ نماینده زن.

ب) حضور زنان در شوراهای اسلامی:

ج) در سال ۱۳۹۶، ۶٪ از اعضای شوراهای شهر و روستا را زنان تشکیل دادند (وزارت کشور، ۱۳۹۷).

۱-۴-۱-۲. ورود زنان به عرصه‌های مدیریتی:

الف) انتصاب زنان به سمت معاون وزیر و استاندار در دولت‌های مختلف.

ب) افزایش تعداد بانوان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها.

این تحولات نشان از بهبود جایگاه زنان در عرصه سیاسی و اجرایی کشور دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹).

۳-۱-۲-۲. ایجاد سازوکارهای نظارتی و پایبندی به چارچوب‌های قانونی

دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق جمهوریت، به تدوین و اجرای قوانین مرتبط با شفافیت انتخاباتی و پاسخگویی نهادهای حکومتی توجه کرده است. این امر به‌ویژه در زمینه نظارت بر روند انتخابات، تضمین شفافیت و جلوگیری از تخلفات، اهمیت زیادی دارد. به‌عنوان مثال، قوانین مربوط به نظارت بر انتخابات، از جمله تشکیل هیئت‌های نظارت انتخاباتی، می‌توانند موجب تقویت اعتماد عمومی به فرآیندهای انتخابات شوند.

یکی از ویژگی‌های برجسته جمهوری اسلامی ایران، نظارت دقیق بر برگزاری انتخابات است. شورای نگهبان به‌عنوان نهاد نظارتی اصلی، مسئولیت تأسیس صلاحیت نامزدها و نظارت بر سلامت انتخابات را بر عهده دارد. این شورا قوانین انتخاباتی را بررسی کرده و اطمینان حاصل می‌کند که فرآیند برگزاری انتخابات مطابق با اصول قانونی باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵). همچنین، وزارت کشور با استفاده از سیستم‌های جدید فناوری در شمارش آرا و برگزاری انتخابات شفاف، به تقویت اعتماد عمومی به فرآیند انتخابات پرداخته است.

۴-۱-۲-۲. تقویت فرآیندهای شفافیت انتخاباتی

در راستای تقویت شفافیت انتخابات، جمهوری اسلامی ایران اقداماتی مانند استفاده از فناوری‌های نوین در شمارش آرا و گزارش‌دهی نتایج به مردم را انجام داده است. این اقدامات کمک کرده است تا اعتماد مردم به سلامت و صحت انتخابات افزایش یابد و فرآیند انتخاباتی به‌طور مؤثری نظارت شود (بشیریه، ۱۳۸۷).

۵-۱-۲-۲. تقویت حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی

جمهوری اسلامی ایران، با وجود چالش‌ها و انتقاداتی که ممکن است به آن وارد باشد،

تلاش‌هایی در راستای تقویت حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی انجام داده است. در این راستا، اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تأکید کرده و حقوق فردی مردم را در چارچوب اسلام به رسمیت می‌شناسد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۳). بر اساس این اصل، افراد در انتخاب عقیده، مذهب و سیاست‌های خود آزادند، مشروط به اینکه با قوانین اسلامی تطابق داشته باشد. این توجه به حقوق بشر در کنار اصول اسلامی، موجب تقویت احساس مشارکت عمومی در فرآیند حکومتی می‌شود.

۲-۱-۶- نهادهای ساز فرهنگ دموکراتیک اسلامی

یکی دیگر از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق جمهوریت، نهادهای ساز فرهنگ دموکراتیک اسلامی است. این به معنای ترکیب اصول اسلامی با مفهوم دموکراسی است که در آن مردم می‌توانند در انتخاب مقامات و تعیین سرنوشت سیاسی خود نقش مؤثری ایفا کنند. اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه اصل ۶، اصل ۵۹ و اصل ۵۶ بر این تأکید دارند که مردم باید در فرآیندهای حکومتی و سیاست‌گذاری‌ها مشارکت فعال داشته باشند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۵۶). این ترکیب میان اصول اسلامی و دموکراتیک نه تنها به افزایش مشارکت مردم کمک کرده، بلکه موجب ایجاد یک فضای سیاسی پویا و متناسب با هویت اسلامی کشور شده است.

۲-۱-۷- پاسخگویی به نیازهای عمومی

در راستای تقویت جمهوریت، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است که نهادهای حکومتی را به‌طور مؤثر به نیازهای عمومی پاسخگو کند. نهادهایی مانند دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و دیگر نهادهای نظارتی، به نظارت بر عملکرد دولت و تأمین حقوق مردم می‌پردازند. این نهادها در راستای ایجاد شفافیت در اداره امور کشور و اطمینان از اینکه حکمرانی بر اساس خواسته‌های مردم انجام می‌شود، فعالیت می‌کنند. این نظارت‌ها و پاسخگویی‌ها به‌ویژه در راستای تقویت اصول جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران است (آبراهامیان، ۱۳۸۴).

۳- پیشنهادها و راهکارها برای تقویت جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران

با توجه به چالش‌های موجود در تحقق کامل جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران، پیشنهادها و راهکارهایی وجود دارند که می‌توانند به تقویت این اصل اساسی در گفتمان انقلاب اسلامی کمک کنند. این پیشنهادات به‌ویژه در جهت رفع محدودیت‌های موجود در فرآیندهای سیاسی، بهبود مشارکت مردمی، و کاهش تضادهای میان جمهوریت و اسلامیت مطرح می‌شوند.

۳-۱- تقویت رقابت‌های سیاسی

یکی از اصلی‌ترین راهکارها برای تقویت جمهوریت، کاهش محدودیت‌ها در رقابت‌های سیاسی است. برای تقویت جمهوریت، پیشنهاد می‌شود که فرآیند نظارت بر انتخابات با شفافیت بیشتری همراه باشد به‌گونه‌ای که نظارت‌ها مانع از ایجاد رقابت‌های آزاد و مشارکت حداکثری مردم نشود. پیشنهاد می‌شود که نظارت‌های شورای نگهبان بر اساس معیارهای واضح‌تر و شفاف‌تری انجام شود به‌این ترتیب، اعتماد عمومی به فرآیند انتخابات افزایش می‌یابد و مردم بیشتر در تصمیمات سیاسی مشارکت می‌کنند.

۳-۲- تقویت نهادهای مردمی و مشارکت عمومی

برای تقویت جمهوریت، باید نهادهای مردمی را تقویت کرده و به آن‌ها نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌های کشور بدهیم. این نهادها، مانند شوراهای اسلامی، باید به‌طور کامل توانمند شوند و در فرآیندهای تصمیم‌گیری ملی و محلی نقش فعال‌تری داشته باشند. یکی از راه‌های این کار، تقویت فرآیندهای دموکراتیک در سطوح مختلف است، به‌ویژه در سطوح محلی که مردم بتوانند تصمیمات خود را در قالب شوراها و نهادهای مردمی اتخاذ کنند.

به‌علاوه، تقویت و توسعه نهادهای غیرانتفاعی و سازمان‌های غیردولتی (NGO) ها (که نماینده مردم در مسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی هستند، می‌تواند باعث ارتقای مشارکت عمومی و بهبود نظارت بر نهادهای دولتی شود. این نهادها می‌توانند به‌عنوان حلقه وصل میان مردم و دولت عمل کنند و در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند.

۳-۳- تقویت احزاب و تشکل‌های سیاسی

یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند به تقویت جمهوریت کمک کند، تقویت احزاب و تشکل‌های سیاسی است. احزاب باید به‌عنوان نهادهای مستقل و فعال سیاسی، نقش مؤثری در فرآیندهای انتخاباتی و سیاسی ایفا کنند. از آنجا که احزاب در نظام‌های دموکراتیک به‌عنوان ابزارهایی برای تجمیع خواسته‌ها و مطالبات مردم شناخته می‌شوند، حمایت از این احزاب و تقویت فعالیت‌های آن‌ها می‌تواند تنوع سیاسی و رقابت‌های سالم را در کشور تقویت کند (آبراهامیان، ۱۳۸۴). در این راستا، باید قوانین مربوط به تأسیس و فعالیت احزاب تسهیل شود و از هر گونه محدودیت غیرضروری در این زمینه جلوگیری شود.

۳-۵- توسعه آموزش دموکراتیک و مشارکت سیاسی

یکی از عوامل مهم در تقویت جمهوریت، ارتقای سطح آگاهی و آموزش مردم درباره دموکراسی و مشارکت سیاسی است. آموزش‌های دموکراتیک باید به‌طور گسترده در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه شود تا نسل‌های آینده با مفاهیم دموکراسی، حقوق شهروندی، و نحوه مشارکت در فرآیندهای سیاسی آشنا شوند. علاوه بر این، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی باید به‌طور فعال‌تر در ترویج آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند و مردم را نسبت به اهمیت حضور فعال در انتخابات و سایر فرآیندهای سیاسی آگاه سازند. این نوع آموزش‌ها می‌تواند به تقویت مشارکت مردمی و نهایتاً تقویت جمهوریت کمک کند.

۳-۶- توسعه سازوکارهای مشورتی و شفافیت بیشتر

برای تقویت جمهوریت، باید سازوکارهای مشورتی بیشتری بین نهادهای حکومتی و مردم ایجاد شود. دولت باید به‌طور شفاف‌تری با مردم در خصوص تصمیمات سیاسی و اقتصادی مشورت کند و نظرات مردم را در تصمیم‌گیری‌های کلیدی وارد کند. به‌ویژه در مسائلی که به‌طور مستقیم بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد، لازم است که نظرات عمومی جمع‌آوری شود و در تصمیمات گنجانده شود.

۳-۷- ارزیابی عملکرد منتخبان در افزایش مشارکت سیاسی

منتخبان در نظام جمهوری اسلامی که از سوی مردم انتخاب می‌شوند، باید با عملکرد مؤثر و کارآمد خود در زمینه‌های مختلف، از جمله اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به تقویت اعتماد عمومی و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات کمک کنند.

تحقیقات نشان می‌دهند که عملکرد مطلوب منتخبان به‌طور قابل توجهی می‌تواند به افزایش مشارکت مردم در انتخابات و فرآیندهای سیاسی منجر شود. به عنوان مثال، در مطالعاتی که بشیریه (۱۳۸۳) و آبراهامیان (۱۳۸۴) انجام داده‌اند، این نکته مطرح شده است که مردم زمانی بیشتر به انتخابات و مشارکت سیاسی روی می‌آورند که از اقدامات منتخبان خود رضایت داشته و مشاهده کنند که نتایج فعالیت‌های این افراد در راستای بهبود شرایط زندگی و تحقق وعده‌های انتخاباتی است. بنابراین، منتخبان که توانسته‌اند به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کنند و در جهت بهبود معیشت و حقوق مردم قدم بردارند، قادر به افزایش اعتماد مردم و مشارکت آن‌ها در انتخابات شده‌اند.

همچنین، به‌طور خاص، زمانی که منتخبان در نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی یا شوراهای اسلامی شهر و روستا توانسته‌اند قوانین و برنامه‌های مؤثری را به تصویب برسانند که منجر به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم شده، موجب تقویت احساس تأثیرگذاری مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و

تشویق آنان به مشارکت بیشتر در انتخابات گردیده است (آبراهامیان، ۱۳۸۴). این امر نشان‌دهنده آن است که عملکرد مثبت و کارآمد متخبران می‌تواند به طور مستقیم بر میزان مشارکت تأثیرگذار باشد.

اما، در کنار این موارد، عملکرد منفی و بی‌توجهی به مسائل اساسی مردم می‌تواند به کاهش مشارکت سیاسی منجر شود. در مواردی که متخبران نتوانسته‌اند به وعده‌های خود عمل کنند و یا در برابر مشکلات مردم واکنش مناسب نشان ندهند، بی‌اعتمادی عمومی نسبت به فرآیندهای انتخاباتی افزایش یافته و این امر می‌تواند به کاهش میزان مشارکت در انتخابات و فعالیت‌های سیاسی منجر شود. در این راستا، متخبران باید همواره از سیاست‌های شفاف و پاسخگو استفاده کرده و به خواسته‌ها و نیازهای مردم توجه کنند تا از این طریق اعتماد عمومی را جلب و مشارکت مردم را افزایش دهند.

بنابراین، ارزیابی عملکرد متخبران در افزایش مشارکت نشان می‌دهد که شفافیت، کارآمدی، و پاسخگویی آن‌ها در راستای تحقق وعده‌های انتخاباتی و رفع نیازهای مردم، از عوامل اصلی افزایش مشارکت سیاسی است. از این رو، تقویت این ابعاد در عملکرد متخبران می‌تواند به شکل قابل توجهی بر میزان مشارکت در انتخابات‌های آینده تأثیرگذار باشد.

۸-۳- افزایش استقلال قوه قضائیه

استقلال قوه قضائیه به‌عنوان یکی از ارکان دموکراسی و جمهوریت، می‌تواند در تقویت عدالت و حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی داشته باشد. قوه قضائیه باید از هرگونه فشارهای سیاسی و اجرایی آزاد باشد تا بتواند در حل منازعات سیاسی و اجتماعی نقش بی‌طرفانه و مؤثری ایفا کند. این استقلال، هم‌چنین موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام سیاسی خواهد شد و به‌طور مستقیم در تقویت جمهوریت اثر خواهد گذاشت (غفاری، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف بررسی تطابق عملکرد جمهوری اسلامی ایران با گفتمان انقلاب اسلامی، به‌ویژه در ارتباط با مفهوم جمهوریت، تدوین شده است. گفتمان انقلاب اسلامی، با محوریت اصول جمهوریت و اسلامیت، در طول چهار دهه گذشته با چالش‌ها و تحولات فراوانی روبه‌رو بوده است. در این بررسی، مشاهده می‌شود که جمهوریت به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی گفتمان انقلاب اسلامی، از ابتدا تا کنون در مقاطع مختلف زمانی دچار تغییرات و بازتعریف‌های معناداری شده است. این تغییرات به‌ویژه در تأثیرگذاری انتخابات، مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی، و نقش نهادهای مردمی مشهود است.

تحلیل‌های مختلف نشان می‌دهند که اگرچه جمهوری اسلامی ایران در برخی زمینه‌ها موفق به

تحقق برخی از اصول جمهوریت شده است، همچنان با چالش‌های اساسی در این زمینه مواجه است. مهم‌ترین دستاوردها در این راستا، برگزاری انتخابات منظم و تقویت نهادهای مردمی همچون شوراهای و مجلس شورای اسلامی بوده است که به‌طور مستقیم با مشارکت عمومی در ارتباط است.

برای تقویت جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران، لازم است که نهادهای منتخب از سوی مردم، مانند مجلس شورای اسلامی، نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها ایفا کنند و نهادهای انتصابی تنها در موارد خاص و با توجه به ملاحظات ضروری دینی و سیاسی فعالیت کنند. این تغییرات می‌تواند منجر به توزیع عادلانه‌تر قدرت و افزایش پاسخگویی دولت‌ها شود.

همچنین، تقویت نهادهای مردمی و مشارکت عمومی در سیاست‌های کلان کشور، یکی از الزامات تقویت جمهوریت است. شوراهای اسلامی، که بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی و اصل مشارکت مردم طراحی شده‌اند، باید به‌طور مؤثرتری در فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطوح مختلف دخیل شوند. توسعه نهادهای غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند به تقویت تعامل میان مردم و دولت و ایجاد نظارت‌های مردمی بر عملکرد حکومت کمک کند.

از دیگر پیشنهادات برای تقویت جمهوریت، توسعه آموزش‌های دموکراتیک و مشارکت سیاسی در سطوح مختلف جامعه است. آگاهی بخشی در خصوص حقوق شهروندی، فرآیندهای دموکراتیک، و اهمیت مشارکت در انتخابات باید از سنین پایین آغاز شود تا نسل‌های آینده نسبت به اصول جمهوریت و دموکراسی آگاهی بیشتری پیدا کنند. رسانه‌ها و نهادهای آموزشی نیز باید در این راستا فعال‌تر شوند و نقش خود را در ترویج فرهنگ مشارکت سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی ایفا کنند.

در نهایت، از آنجا که جمهوریت و اسلامیت دو اصل اساسی گفتمان انقلاب اسلامی هستند، تقویت جمهوریت باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که تعادل میان این دو اصل حفظ شود. این به معنای آن است که جمهوری اسلامی باید در چارچوب اصول اسلامی و دینی به تقویت اراده و مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی پرداخته و در عین حال ارزش‌های دینی را در تصمیم‌گیری‌های حکومتی لحاظ کند. در این راستا، بررسی دقیق‌تر تعامل میان جمهوریت و اسلامیت در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور و جلب نظر عمومی به‌ویژه در مسائل اجتماعی و فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با توجه به این نکات، می‌توان نتیجه گرفت که تقویت جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران نیازمند اصلاحات در روشها، و فرآیندهای دموکراتیک است. و از این طریق است که می‌توان به تحقق کامل گفتمان انقلاب اسلامی و جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران دست یافت.

منابع

- آبراهامیان، اریک. (۱۳۸۴). ایران مدرن: تاریخ اجتماعی از صفویه تا انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۳۹). صحیفه امام خمینی، ج ۶: سخنرانی‌های امام خمینی در موضوع جمهوریت. تهران: نشر امام خمینی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۳). چالش‌های ساختاری جمهوریت در ایران. تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۵). ایران‌شناسی: ساختارهای سیاسی و اجتماعی. تهران: نشر علم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۷). چالش‌های ساختاری جمهوریت در ایران. مطالعات اجتماعی، ۳۰-۲۴، ۵۵-۳۰.
- تاجیک، همایون. (۱۳۸۳). گفتمان، پادگفتمان و سیاست. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حسینی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۵). اسلام سیاسی در ایران. قم: دانشگاه مفید.
- حسینی‌زاده، محمدعلی. نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. علوم سیاسی، ۷(۲۸)، ۴۵-۱۲.
- خسروی، حسن، فالاح، محمود، و دهنوی، وحید. (۱۳۹۵). جمهوریت و اسلامیت در گفتمان حقوق اساسی ایران با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره). پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۶(۱۳)، ۱۲۹-۱۶۲.
- خوش‌نیت، محمد. (۱۳۹۶). جمهوریت و اسلامیت: تحلیل تطبیقی در نظام‌های سیاسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شریعتی، علی. (۱۳۹۱). جمهوریت و ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- عبداللهی، مهدی. (۱۴۰۰). چالش‌های نظارت انتخاباتی. پژوهش‌های حقوقی دانشگاه تهران.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۵۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول ۶، ۵۶ و ۵۹. تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- سازمان چاپ و انتشارات. (۱۴۰۰). قانون انتخابات جمهوری اسلامی ایران: اصول و قوانین انتخاباتی کشور. تهران: کچوئیان، حسین. (۱۳۸۳). گفتمان‌های سیاسی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۷). دولت اسلامی و دموکراسی: بررسی اصول حکومت اسلامی. تهران: نشر علمی.
- محمودی، علیرضا. (۱۳۹۴). گفتمان انقلاب اسلامی: بررسی تحلیل‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. تهران: انتشارات روزنه.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵). تحلیل مشارکت سیاسی در ایران.
- نیکبخت، مهدی. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی ایران. تهران: انتشارات مرکز.
- هاشمی‌رفسنجانی، اکبر. (۱۳۷۸). جمهوریت و دموکراسی در نظام اسلامی. تهران: نشر انقلاب.

Foucault, M. (1972). The Archaeology of Knowledge. London: Routledge.

Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. London: Verso.